گفت‌وگوی «جوان» با مدیر عامل و عضو هیئت‌مدیره انجمن حمایت از بیماران کلیوی ایران درباره وضعیت حمایتی از بیماران کلیوی

صندوق حمایت از بیماران خاص در اجرا چالش دارد

بیماران خاص و صعب‌العلاج همانگونه که از نامشان پیداست، افرادی هستند که با بیماری‌هایی سخت دست و پنجه نرم می‌کنند؛ بیماری‌های پر هزینه‌ای که گاهی تا پایان عمر، افراد را با خود درگیر می‌کند. به همین خاطر هم بود که دو سال پیش صندوق حمایت از بیماران خاص و صعب‌العلاج راه‌اندازی شد تا بتواند حمایت مناسب‌تری را از این گروه بیماران داشته‌باشد. روز گذشته نیز محمد مهدی ناصحی در نشست خبری «روز بیماران خاص و صعب‌العلاج» با اشاره به اینکه حدود دو سال از عمر صندوق حمایت از بیماران خاص و صعب‌العلاج می‌گذرد، گفت: «هنگامی که این صندوق ایجاد شد، میزان بودجه تخصیص یافته معادل ۵ همت (۵ هزار میلیارد تومان) بود و در سال گذشته به ۷ همت رسید و در حال حاضر، میزان بودجه تخصیص‌یافته صندوق بیماران خاص و صعب‌العلاج در سال جاری معادل ۹ همت است.» با وجود بودجه خوبی که به این صندوق اختصاص داده‌شده و حمایت مناسبی که از بیماران خاص و صعب‌العلاج دارد، اما آنطور که اعظم پناهی مهر، مدیر عامل و عضو هیئت مدیره انجمن حمایت از بیماران کلیوی ایران می‌گوید این قانون خوب در اجرا با چالش‌هایی همراه و لازم است برای اجرایی شدن بهتر آن بازنگری‌هایی صورت گیرد. گفت‌وگوی ما را درباره بیماران کلیوی و حمایت‌های صندوق حمایت از بیماران خاص و صعب‌العلاج با مدیر عامل و عضو هیئت‌مدیره انجمن حمایت از بیماران کلیوی پیش‌رو دارید.

گفت‌وگو
زهرا چیذری

فرزاد منتی | تسنیم

خانم دکتر پناهی‌مهر در حال حاضر بیماران کلیوی به عنوان یکی از بیماران خاص و صعب‌العلاج با چه چالش‌هایی مواجهند؟

انجمن بیماران کلیوی ایران هم بیماران دیالیزی و هم کلیوی را تحت حمایت خود قرار داده‌است. بیماران کلیوی فراز و نشیب‌های زیادی داشتند به خصوص مشکلات دارویی که ما از مسئولان و وزارت بهداشت در این رابطه مطالبه‌گری داشته‌ایم. یک روزی مصوبه صندوق حمایت از بیماران خاص اعلام شد و خبر خوبی بود و بچه‌ها خودشان را نشان‌دار کردند، اما در اجرا ضعیف عمل شد. خیلی از بیماران ما می‌گویند وقتی فاکتور می‌بریم به طور مثال کل مبلغ را نمی‌دهند و چالش‌هایی را ایجاد می‌کنند و به درستی این قانون اجرایی نشد.

روز گذشته هم در نشست خبری رئیس سازمان بیمه سلامت از افزایش بودجه صندوق حمایت از بیماران خاص و صعب‌العلاج از ۷ به ۹ همت خبر داد، اما شما می‌گویید این هزینه‌ها به درستی پرداخت نمی‌شود؟

بله. سال گذشته هم مبلغ قابل توجهی بودجه به این صندوق اختصاص داده شده‌بود، اما بیماران به خصوص دیالیزی‌ها توان آمد و رفت زیاد را ندارند. در حالی که به آنها می‌گویند یا باید فاکتورها جمع شود یا مبلغ قابل توجهی شود تا ما بتوانیم پرداخت کنیم، اما وقتی هم که فاکتورها جمع می‌شود همان مبلغ را نمی‌ریزند و مثلاً نیمی از آن یا ۷۰، ۸۰ درصد را می‌ریزند. ما پیگیری هم کرده‌ایم، اما به نتیجه نرسیده‌است. در واقع می‌خواهم بگویم ما قوانین خوبی داریم که در کشور به نفع بیماران خاص تصویب شده‌است، اما در اجرا به درستی عمل نکرده‌ایم.

خب در پیگیری‌ها به شما چه پاسخی داده‌اند؟

در تماس تلفنی با بیمه سلامت تهران به ما گفتند، چون مراجعه‌کننده زیاد است، کسی نیست فاکتورها را ثبت کند و باید کلی جمع شود و بعد ببرند. برخی از افرادی هم که کل فاکتورها را جمع می‌کردند و با هم تحویل می‌دادند می‌گفتند برخی از خدمات اینها شامل این حمایت نمی‌شود. این در حالی است که یک بیمار دیالیزی که سرپرست خانواده است و خودش هم تحت پوشش ماست، پول این را ندارد که برای خرید داروها هزینه‌های چند میلیونی را ابتدا خودش پرداخت کند. این بیماران وقتی به بیمه سلامت مراجعه می‌کنند، می‌خواهند با دریافت مبلغی که هزینه کرده‌اند، آن را برای داروی ماه بعدشان داشته‌باشند. خیلی از این بیماران آنقدر پول ندارند که بخواهند ۲۰ میلیون تومان پول بدهند و وقتی هم خیرین کمک می‌کنند، ما پول را مستقیماً به حساب داروخانه می‌ریزیم و فاکتوری وجود ندارد که بخواهند برای دریافت پول بروند. این بیماران به لحاظ اقتصادی اغلب ضعیف و نیازمند حمایت هستند و چشمشان به کمک‌های خیرین است و این روند که فاکتورها را نگه دارند و بعد به یکباره بخواهند آنها را برای پرداخت ارائه بدهند، وجود ندارد.

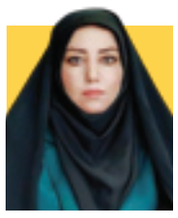

قبل از راه‌اندازی صندوق حمایت از بیماران خاص و صعب‌العلاج وضعیت چگونه بود؟

با راه‌اندازی صندوق یک قدم به جلو برداشته شد و خیلی خوب بود، اما حرف من این است، آنچه مصوب شده با آنچه اجرا می‌شود همراستا نیست و اجرا ضعیف است. می‌شود اقداماتی انجام داد تا در اجرا بهتر عمل شود. به طور نمونه از منزل این نسخه‌ها را بارگذاری کرد و بارگذاری اینها برای اپراتور هم کار سختی است.

در حال حاضر بیماران خاص ظاهراً از پوشش بیمه‌ای خاصی هم برخوردار هستند که پوشش حمایتی خوبی دارد. درست است؟

صندوق بیماران خاص از بیمه بیماران خاص جداست. صندوق بیماران خاص برای داروهایی است که شامل بیمه نمی‌شود یا بیماری که بستری شده و خودش باید پولش را بدهد. قانونی که مصوب شده صد در صد بیمار را دیده و حمایت می‌کند، اما خب یکسری مشکلاتی در اجرا پیش می‌آید و وظیفه ما این است که مشکلات را احصا کنیم و انتقال بدهیم تا برطرف شوند. اما به طور کلی من از همه کسانی که این قانون را مصوب و از بیماران خاص حمایت می‌کنند، ممنونم.

درباره دفترچه بیمه و حمایت‌هایی که از بیماران خاص و بیماران کلیوی صورت می‌گیرد هم توضیح بدهید. این حمایت‌ها چگونه است و دفترچه بیمه بیماران خاص چه چیزهایی را پوشش می‌دهد؟

ما دو دسته بیمار داریم؛ پیوندی و دیالیزی. پیوندی‌ها به محض پیوند جزو بیماران عادی می‌شوند و دفترچه عادی می‌گیرند، اما بیماران دیالیزی دفترچه بیماران خاص را دارند که البته در حال حاضر به صورت الکترونیکی شده‌است و در مراکز طرف قرارداد بیماران خاص به این بیماران خدمات رایگان ارائه می‌شود.

دیالیز رایگان، ویزیت و خدمت رایگان برای این بیماران در مراکز طرف قرارداد ارائه می‌شود، اما در عین حال این بیماران با بیماری‌های دیگری هم دست و پنجه نرم می‌کنند. به طور نمونه یکسری هم داروهای مکمل است، این بیماران ضعیف هستند و باید داروهای مکملی تهیه کنند که خودشان هزینه‌هایش را می‌دهند.

در واقع صندوق بیماران خاص و صعب‌العلاج برای مواردی است که بیمه آنها را پوشش نمی‌دهد؟

بله، مثلاً وقتی بیماران بستری می‌شوند یا دندانپزشکی می‌روند یا با بیماری دیگری مواجه می‌شوند که مختص بیماری خاصشان نیست. صندوق بیماران خاص و صعب‌العلاج در راستای حمایت از این بیماران تشکیل شده و با نشان‌دار شدن این بیماران از آنها حمایت می‌شود. مشکل ما این است که این هزینه‌ها را به صورت تکی قبول نمی‌کنند و بعد هم که فاکتورها جمع می‌شود هم گاهی مبلغ کامل پرداخت نمی‌شود و از آنجایی که این بیماران ضعیف هستند و توانایی مادی و سلامتی لازم را ندارند با چالش مواجه می‌شوند.

درباره بیماران پیوندی چطور؟ این بیماران هم باید داروهایی را تا پایان عمر مصرف کنند. در رابطه با این بیماران مشکلی وجود ندارد؟

بیماران پیوندی امید به زندگی بیشتری دارند و می‌توانند به زندگی عادی باز گردند. اینها باید داروهای سرکوب‌کننده ایمنی و داروهای دیگری را دریافت کنند. در چند سال اخیر اینها هم با نوسانات دارویی مواجه بوده‌اند. در حال حاضر داروی پروگراف خارجی کمیاب شده و برخی از بیماران به نوع ایرانی آن حساسیت دارند.

گزارش
مهسا گربندی

نگرانی مردم در خصوص بقای سرسبزی پارک‌های شهر

فضای سبز زیر چکمه ساخت‌وساز

قانون برای همه لازم‌الاجراست به جز شهرداری! چراکه به راحتی در داخل پارک، حصار می‌کشد و در آنجا ساخت و ساز را آغاز می‌کند، بدون اینکه حتی یک تابلو یا بنری جهت اطلاع‌رسانی به عموم نصب کرده‌باشد. بعد از آن هم جنجال به راه می‌افتد و افکار عمومی را درگیر خود می‌کند، اما چه کسی پاسخگوی این شرایط پیش‌آمده خواهد بود؟ هیچ‌کس! البته مسئولان و مدیران شهری برای فیصله دادن به ماجرا، دلایل متفاوتی از این ساخت‌وساز را به زبان آوردند، اما از آنجایی که گفته‌هایشان با یکدیگر متناقض بود، آتش نارضایتی شهروندان را بیش از پیش شعله‌ور کرد؛ یک نفر از مسئولان گفت حصارکشی در پارک لاله به دلیل ساخت فرهنگسرا انجام شده و مسئول دیگر، چند روز بعد اعلام کرد این کار برای ساخت کارگاهی، جهت تعمیر و نگهداری پارک است(!) اما چه کارگاهی و چه تعمیری؟! کسی نمی‌داند! این اظهارات ضد و نقیض شائبه‌ای را نیز به وجود آورده‌است؛ اینکه مدیران شهری با صداقت با شهروندان سخن نمی‌گویند. بدون شک ساخت و ساز داخل پارک که موجب آسیب به فضای سبز و درختان می‌شود باید هر چه سریع‌تر متوقف شود.

مدتی است تصاویری از حصارکشی در بخش جنوبی پارک لاله منتشر شده، برخی از شهروندان و همچنین فعالان محیط‌زیست از بیم آنکه درختان کهنسال این پارک قدیمی و فضای سبز دل‌انگیزش قربانی سازه‌های انسان ساخت می‌شود، تجمع کردند و اعتراض خود را نسبت به حصارکشی در این پارک نشان دادند. در این میان برخی از فعالان مجازی متن‌هایی را در انتقاد به ساخت و ساز داخل پارک در شبکه‌های اجتماعی نوشتند. بعد از حدود ۱۰ روز از جنجال حصارکشی در پارک لاله، روز گذشته مدیر بوستان‌های شهر تهران اعلام کرد: «حصارکشی در بوستان لاله برای ایجاد کارگاهی در خصوص تعمیرات و نگهداشت پارک است.» موضوعی که بیشتر شبیه به عقب‌نشینی می‌ماند تا واقعیت، چراکه این اظهارنظر دیرهنگام با صحبت‌های سایر مدیران شهری در این مدت تناقض دارد.

از تذکر شورای شهر تا واکنش سازمان بوستان‌ها

روز یکشنبه مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران پیش از آغاز جلسه شورای شهر تهران در پاسخ به پرسشی درباره حصارکشی در پارک لاله به خبرنگاران گفت: «هنوز مشخص نیست برای چه موضوعی این کار انجام شده‌است. براساس آنچه پرسیده شده، پس از جشن‌های ماه رمضان احساس شده که در آنجا نیاز به چنین فضایی وجود دارد.» چمران با بیان اینکه قرار نیست درختی در این محدوده قطع شود و اجازه چنین کاری را نمی‌دهد، گفت: «در شورای دوره سوم مصوبه‌ای داشتیم که در بوستان‌های بزرگ می‌توانند برای خدمات مورد نیاز بوستان، ساخت‌وساز انجام دهند و این موضوع تنها محدود به کتابخانه و مسجد شد و اگر ساخت‌وساز از ملزومات پارک باشد به شرط عدم قطع درخت امکان دارد.» اما مگر می‌شود درختان تنومند و کهنسالی که در جای‌جای این پارک قرار گرفته‌اند، هنگام ساخت‌وساز هیچ آسیب نبینند؟

علاوه بر آن، روز شنبه نیز مهدی اقراریان، عضو شورای شهر تهران با حضور در پارک لاله در مرکز این شهر در ویدئویی اشاره کرد که شهرداری حدود ۳هزار متر مربع از پارک را بسته و با قصد ساخت و ساز حصارکشی کرده‌است. او افزود: «این محدوده انبوهی از درختان را دارد و شورا اجازه «اعدام درختان» را نخواهد داد.»

سوده نجفی، عضو هیئت رئیسه شورای اسلامی شهر تهران نیز در تذکری گفت: «در روزهای اخیر شاهد بودیم بخش قابل‌ملاحظه‌ای از پارک لاله که گفته می‌شود ۳ هزار متر است توسط شهرداری حصارکشی شده و براساس اخباری که به صورت غیررسمی از شهرداری شنیده‌ایم قرار است در آن مجموعه فرهنگی ساخته شود که تأکید داشتند ساخت این مجموعه بدون قطع درختان صورت خواهد گرفت. شهرداری منطقه عنوان می‌کند که این اقدام توسط سازمان بوستان‌ها صورت گرفته و ما نقشی نداشتیم، اما دستور توقف داده‌ایم. سؤال بنده این است وقتی گفته می‌شود بدون قطع درختان یعنی در این محوطه بزرگ حدود ۳ هزار متر که حصارکشی شده هیچ درختی نیست؟! این با واقعیت تطابق ندارد و اصلاً پارک لاله فاقد فضای اینچنینی است که در آن درختان تنومند وجود نداشته باشند.»

پس از آن، روز گذشته علی‌محمد مختاری، مدیر عامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران در واکنش به این اظهارنظرات گفت: «حصارکشی برای ایجاد کارگاهی در خصوص تعمیرات و نگهداشت پارک است و اصلاً قصد ساخت‌وساز و قطع درخت نداریم.» هنوز جزئیات ساخت این کارگاه مشخص نشده‌است، اما محصور شدن ۳ هزار متر مربع از پارک به دلیل ساخت کارگاه هم خلاف واقع به نظر می‌رسد.

«زنده‌باد درخت» شعار یا واقعیت؟

بارها و بارها اعضای شورای شهر و همچنین مدیران شهری تأکید کرده‌اند که در ساخت‌وسازهای انجام شده در پارک‌ها، هیچ درختی قطع نخواهد شد، اما وقتی مساحت ۳ هزار متر مربع حصارکشی می‌شود، چطور می‌توان توقع داشت که شهروندان، قطع نشدن درختان را باور کنند؟

مدتی است بنرهایی با عنوان «زنده باد درخت» در اتوبان‌ها و خیابان‌های شهر نصب شده‌است، بنرهایی که با حصارکشی پارک‌های شهر و انجام عملیات ساخت و ساز در آنها، همخوانی ندارد. عمده شهروندان حصارکشی فضای وسیع در پارک لاله را که مملو از درختان کهنسال است «درخت‌کشی» می‌نامند، به همین دلیل اگر هزاران بنر «زنده باد درخت» هم در جای جای شهر نصب شود، بعید است کسی آن را باور کند.

برخی از کارشناسان شهری و محیط‌زیستی معتقدند برای حفظ درختان در تهران باید تمام آنها پلاک‌گذاری شوند تا نگرانی‌ها از بابت قطع درختان در چنین عملیات ساخت و سازی برطرف شود، عملیاتی که مبهم است و مدیر عامل سازمان بوستان‌ها بعد از حدود یک ماه حصارکشی علت آن را مطرح می‌کند.

حصارکشی در پارک، ممنوع!

نه‌تنها پارک لاله بلکه هر پارک دیگری که حصارکشی شود برای شهروندان سؤال ایجاد می‌کند که قرار است در آنجا چه چیزی ساخته شود. شهروندان می‌خواهند بدانند که در این وضعیت آلودگی هوا که باید درختان و فضای سبز موجود را حفظ کرد، چرا باید ساخت و سازی انجام شود که این فضای سبز را به خطر بیندازد. به علاوه اینکه وقتی شهرداری تهران نتوانسته است معضل ترافیک را حل کند، چرا با ساخت و ساز هر چیزی که به دنبال آن است، به ترافیکی که از حل آن عاجز مانده‌است، دامن می‌زند؟ اصلاً اگر در پارک‌های بزرگ شهر فضای خالی وجود دارد، چرا این فضاهای خالی با درختان دیگر پر نشود تا باری از معضل آلودگی هوا را کم کند؟

در این مدت برخی از فعالان رسانه و محیط‌زیست نیز نسبت به ساخت و ساز پارک لاله واکنش نشان داده‌اند. حنیف رضا گلزار، فعال محیط‌زیست در این رابطه نوشت: «بیش از ۳ هزار متر مربع از فضای سبز بوستان لاله، برای ساخت فرهنگسرا حصارکشی شده و به زودی تغییر کاربری خواهد یافت. آقای شهردار! فرهنگ عمومی جامعه با قطع درختان کهنسال و سرهم‌بندی آجر و سیمان و تیر آهن ارتقا پیدا نمی‌کند. لجبازی با افکار عمومی را تمام کنید!»

آزاده مختاری، روزنامه‌نگار نیز در این رابطه بیان کرد: «درختان را قطع نکنید. الان حتی فصل جابه‌جایی درختان نیست! یعنی شهر زمین و جا ندارد، فقط باید وسط پارک‌ها، درخت نابود کنید؟»

در این میان برخی از فعالان محیط‌زیست و کارشناسان معماری نیز معتقدند اصلاً مهم نیست که در بوستان لاله و سایر بوستان‌های دیگر، چه چیزی ساخته می‌شود، فضای فرهنگی یا کارگاهی تعمیری، هیچ فرقی نمی‌کند، چراکه طبق مصوبه «منع احداث ابنیه در بوستان‌ها»ی شورای اسلامی شهر تهران در سال ۱۳۹۱، هیچ‌گونه ساخت‌وسازی در پارک‌ها نباید انجام شود. دغدغه این افراد فقط درختان نیست، بلکه آنها می‌گویند تمام محوطه بوستان‌ها که جزو پهنه G (پارک‌های عمومی) به حساب می‌آید نباید با ساخت و ساز بلعیده شود.

جنجالی به قیمت کاهش اعتبار مدیریت شهری

بدون شک اگر سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهرداری تهران در همان ابتدا تابلو یا بنری را نصب می‌کرد و هدف از حصارکشی را روی آن می‌نوشت، چنین جنجال گسترده‌ای ایجاد نمی‌شد؛ جنجالی که به قیمت کاهش اعتبار شهرداری نزد عموم شهروندان تمام شده‌است.

البته نمی‌توان منکر کارهای خوب شهرداری در تمام این مدت شد، اما آنچه باعث بدبینی مردم و موضع گرفتن آنها بابت تصمیمات اینچنینی شهرداری می‌شود، عدم اطلاع‌رسانی به موقع و همچنین گفته‌های خلاف واقع آنهاست؛ موضوعی که اگر باز هم از سوی مدیران شهری تکرار شود، معلوم نیست بی‌اعتمادی شهروندان نسبت به مدیریت شهری را تا کجا پیش ببرد.

در سلک آفتاب

ستون سه‌شنبه‌ها
مهدی مولایی

کتابخوانی در دیروز و امروز جهان اسلام

«روزی که شاید در همه اروپا ۱۲ تن یافت نمی‌شدند که نوشتن و خواندن بدانند، در نیشابور ۱۲ هزار قلمدان مرصع بیرون می‌آمدند تا یک حدیث را از زبان فرزند پیامبر(ص) بنویسند» این جمله‌ای است که استاد محمدرضا حکیمی در کتاب «دانش مسلمین» گفته است و بسیاری از تاریخ‌نگاران اروپایی خود بر این گزاره صحه گذاشته و شرمسارانه تأییدش کرده‌اند.

زیگرید هونکه، تاریخ‌نگار و فرهنگ‌پژوه شهیر اروپایی در کتاب خود به نام فرهنگ اسلام در اروپا ضمن مقایسه دو فراز از تعالیم اسلام و مسیحیت به بررسی جایگاه علم و کتابخوانی در دو فرهنگ اسلامی و اروپایی می‌پردازد. او فرمایشی از پیامبر اسلام از منابع اسلامی نقل می‌کند که «هر کس در راه کسب علم بکوشد، عبادت خداوند را کرده‌است» و همچنین «علم‌آموزی بر تمام مسلمانان واجب است». زیگرید هونکه سپس به فرازی از کتاب مقدس مسیحیت اشاره می‌کند که در آن به سرزنش علم‌آموزی و مطالعه و تحقیق پرداخته شده‌است. «مگر خداوند دانش این جهان را حماقت ننامیده‌است. من می‌خواهم از بین ببرم دانش دانشمندان را و مردود کنم شعور باشعوران را. خدا برای جهان سرنوشت احمقانه‌ای انتخاب کرده‌است تا دانشمندان و عالمان را سرشکسته و شرمسار گرداند» هونکه با مقایسه این دو فراز از دو فرهنگ که آن را «دو درک متفاوت از دو جهان مختلف همچون آب و آتش» می‌داند، معتقد است این دو طرز فکر دو طریق مختلف را در عالم شرق و عالم غرب ایجاد نموده‌است.

سایه سنگین و مرتفع کلیسا هر چه بیشتر به طرف آسمان کوشیده و کشیده‌بود، علوم زمینی از هر نوع را به قهقهرا کشاند. حتی در سال ۱۲۰۹ میلادی مجمع کلیسای پاریس رسماً رهبانان و مسیحیان را منع کرد که کتاب‌های علوم طبیعی بخوانند و این کار را گناهی نابخشودنی خواند. تنگ‌فکری اروپایی هر گونه خلاقیت استعداد را خفه می‌کرد. هر تحقیق و پژوهش مستقلانه‌ای را مانع می‌شد و گاه اگر پنهانی فکر و اندیشه‌ای با دوات‌های سیاه بر کاغذهای سپید نوشته می‌شد هم کاغذها و هم آن متفکر را در ملأعام در میان هیزم‌ها می‌سوزاند. همزمان یا این وضعیت لجن‌بار تاریک و جاهلانه و علم‌ستیزانه اروپا، مسلمانان اما دلباخته کتاب بودند.

آنها که طبق آموزه‌های اسلامی ارزش فراوانی برای علم و دانش قائل بودند و مهم‌ترین و بهترین راه ترویج و حفظ علوم و آثار فکری را کتابت و مسئله کتابخوانی یافته‌بودند، اقدام به احداث کتابخانه‌های بسیار عظیم و مملو از کتاب‌هایی در همه علوم کرده‌بودند. فاطمیان مصر با تأسیس کتابخانه بزرگ دارالعلم هزار و ۸۰۰ جلد در علم فلسفه و ۶هزار و ۵۰۰ جلد در علوم ریاضی و هزاران جلد در علوم گوناگون جمع‌آوری کرده‌بودند. همچنین یکی از خلفای فاطمی مصر کتابخانه‌ای بسیار بزرگ به کمک معماران بزرگ جهان اسلام در فسطاط بنا نمود که شامل تالاری بزرگ و وسیع در وسط و قفسه‌هایی شامل هزاران جلد کتاب در اطراف بود و همین کتابخانه الهام‌بخش ایجاد کتابخانه‌های نوین جهان است.

این دلباختگی و شیفتگی بی‌غایت مسلمین و اهتمامشان بر کتاب و کتابخوانی به قدری بود که در جنگ عموریه و آنکارا بر خلاف رسم رایج جنگ‌ها که تسلیم سلاح‌های جنگی و زنان طرف مقابل را شرط صلح اعلام می‌نمودند، مسلمانان تسلیم کتاب‌های قدیمی یونانی را شرط صلح با بیزانس اعلام کردند. همچنین مأمون عباسی پس از پیروزی بر روم شرقی از میخاییل سوم خواست تمام آثار فلسفه که تا آن زمان به عربی ترجمه نشده‌بودند، به عنوان خراج جنگی تحویل مسلمانان دهد و اروپایی‌ها که این کتاب‌ها را کاغذپاره‌هایی بی‌ارزش و کم‌اهمیت می‌دانستند با کمال میل و رغبت تمام آنان را تحویل مسلمین نمودند. در طول تاریخ جنگ‌های مسلمانان و مسیحیان، همواره شرط تسلیم و تقدیم کتب قدیم یونانی یکی از شروط دائمی مسلمانان می‌شود و اروپایی‌ها به طمع اینکه شاید بتوانند با این نوشته‌های کم‌ارزش و دست‌وپا گیر کهن یونانی، حاکمان اسلامی را با خود همراه کنند بسیاری از کتب مربوط به پزشکی و داروسازی و شیمی را در اختیار سپاهیان اسلام قرار می‌دادند.

این عشق وافر به کتاب مختص طبقه علما و دانشمندان مسلمان نماند و توده مسلمانان نیز در پی سفارشات مکرر دینی علاقه‌مند به کتابخوانی و کتابداری شدند، بنابراین کتابخانه‌هایی عمومی با گنجایش چندین هزار کتاب در ری، بغداد و مصر بنا شد که کتاب و دوات و کاغذ رایگان در اختیار مراجعین قرار می‌دادند و حتی مقرری ویژه‌ای به محققان این کتابخانه‌ها اختصاص یافت، بنابراین از همان روزگار قدیم و از قرون ابتدایی تمدن اسلامی علم‌آموزی و کتابخوانی به یکی از علاقه‌مندی‌های ویژه عموم مسلمانان تبدیل شده و تا به امروز نیز با همه پستی و بلندی‌های خود در میان قاطبه مسلمین ادامه یافته‌است.

نمایشگاه‌های مختلف کتاب سالانه جهان اسلام از قاهره تا مسقط و این روزها در تهران، فرصتی دوباره است برای توجهی بیشتر به این سنت دیرینه اسلامی و بازیابی ارزش‌های مهم اسلامی در دانش‌گرایی و کتابخوانی. توجه ویژه دوباره علمای دینی و به ویژه اهتمام فوق‌العاده رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر نیز قطعاً نقش بسزایی در اوج‌گیری این فرهنگ همیشه زنده اسلامی خواهد داشت. امید که با اقبال دوباره عموم مسلمین به این مهم، باری دیگر جهان اسلام دوران طلایی خود را در عرصه علم بازیابی کند.

گزیده

توقف رشد اعتیاد در کشور

رئیس سازمان امور اجتماعی کشور با اشاره به کاهش شاخص‌های آسیب‌های اجتماعی در دو سال اخیر گفت: در حوزه اعتیاد نیز با توقف رشد اعتیاد در کشور روبه‌رو هستیم.

محمد عباسی، رئیس سازمان امور اجتماعی کشور با اشاره به طرح جامع آسیب‌های اجتماعی و تدوین برنامه جامع درباره آن در دولت سیزدهم اظهار داشت: وظایف و ظرفیت‌های دستگاه‌ها در حوزه آسیب‌های اجتماعی احصا و دفترچه‌ای در این‌باره تدوین شده‌است.

وی اضافه کرد: رئیس‌جمهور سازمان امور اجتماعی را مکلف کرده‌است عملکرد همه دستگاه‌های مربوط در حوزه آسیب‌های اجتماعی را روزانه به طور مستمر رصد کرده و سازمان‌هایی را که به وظایف خود در این زمینه عمل نمی‌کنند، به شورای اجتماعی کشور معرفی کند.

معاون وزیر کشور تأکید کرد: این اقدام در حقیقت نوعی شتاب‌بخشی دستگاه‌ها در اجرای وظایف خود در کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی است. عباسی درباره آمارهای آسیب‌های اجتماعی در کشور گفت: خوشبختانه مسئله مربوط به حوزه طلاق در دو سال اخیر دولت سیزدهم کاهش داشته‌است. همچنین در حوزه اعتیاد، روند رشد آن در جامعه ایران متوقف شده‌است. رئیس سازمان امور اجتماعی کشور با اشاره به کاهش سکونتگاه‌های غیررسمی به دلیل توجه دولت به نقاط حاشیه‌ای در کشور تأکید کرد: با وجود همه کاهش‌ها، باید به این موضوعات همچنان توجه صورت گیرد.